

۱. در خصوص اعتراض ثالث به عملیات اجرایی نسبت به توقیف یک دستگاه آپارتمان با توجه به مبیعه‌نامه و وکالت‌نامه تنظیمی مورد استناد خواهان که دلالت بر انتقال ملک موضوع اعتراض دارد، حکم به رفع توقیف از پلاک ثبتی صادر شد. ۲۵
۲. قرار عدم استماع در خصوص دعوی اعتراض ثالث اجرایی با این استدلال که نقل و انتقال با عنایت به حقوق رهنی فاقد وجهت قانونی است. ۲۶
۳. در تقاضای اعتراض ثالث به عملیات اجرایی پرونده کلاسه ... طرف پرونده مذکور ارتباطی به طرفین دعوی حاضر نداشته است و دادگاه حکم به بطلان دعوا صادر نمود. ۲۸
۴. در خصوص اعتراض ثالث به عملیات اجرایی و تقاضای رفع توقیف از خودروی ۲۰۶ با توجه به محرز بودن تعلق حق خوانده قبل از شروع اقدامات اجرایی در موضوع دعوا، دادگاه حکم به رفع توقیف انومبیل در پرونده اجرایی صادر نمود. ۲۹
۵. دعوی اعتراض ثالث اجرایی و به تبع آن توقیف عملیات اجرایی باید به طرفیت اصحاب پرونده اجرایی مطرح شود که در این دادخواست، در خصوص پرونده مورد اشاره از سوی وکیل خواهان چنین امری رعایت نشده است. ۳۱
۶. در خصوص دعوی اعتراض ثالث نسبت به دادنامه صادره مبنی بر خلع ید، دادگاه با از بین رفتن مبنای خلع ید، حکم بر بطلان دعوی سابق‌الصدور مبنی بر خلع ید صادر کرده که دادگاه تجدیدنظر نیز با اصلاح حکم بطلان دعوی اصلی به الغای دادنامه معترض‌عنه، دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید نموده است. ۳۳
۷. در خصوص درخواست اعتراض ثالث نسبت به دادنامه‌ای که به موجب آن حکم بر محجوریت شخص صادر گردیده، ناتوانی متوفی در انجام معامله مندرج در دادنامه معترض‌عنه با توجه به نظر پزشکی قانونی محرز است؛ بنابراین اعتراض معترض ثالث بر حکم حجر غیر وارد تشخیص داده شد و حکم بر رد اعتراض صادر گردید. ۳۸
۸. دادگاه تجدیدنظر ضمن نقض دادنامه معترض‌عنه که رأی داور را منافی با حقوق ثالث دانسته، حکم به بطلان دعوی مطروحه صادر نمود، زیرا قطع نظر از این که رأی داور نیز واجد ایراد است، اجرای احکام دادگستری باید از شناسایی رأی فوق و اجرای آن خودداری نماید. ۴۱
۹. دادگاه تجدیدنظر دادنامه تجدیدنظرخواسته مبنی بر بطلان دعوی معترض ثالث را تأیید کرد، زیرا نه تنها قصد واقعی در اقاله قرارداد برای این مرجع قابل استناد نیست، بلکه

- صوری بودن اقاله نامه استنادی به قصد فرار از پرداخت دین نیز محرز و مسلم است. — ۵۰
۱۰. در رأی داوری، خواننده به پرداخت وجه التزام در حق محکوم له رأی داوری محکوم شده و دلالتی بر تأیید فسخ ندارد تا خللی بر حقوق شخص ثالث وارد آورد؛ بنابراین دادگاه تجدیدنظر با پذیرش لایحه اعتراضیه ضمن نقض دادنامه معترض عنه، حکم به رد دعوی اعتراض ثالث صادر نمود. — ۶۴
۱۱. معترض ثالث خارج از موعد مقرر قانونی مبادرت به اقامه دعوا کرده و دادگاه قرار رد دعوی خواهان معترضین ثالث را صادر و اعلام نمود. — ۶۷
۱۲. معترض ثالث در فرایند داوری حضور نداشته و ملک وی به جهت رأی داور در معرض و شرف اجرائیه قرار گرفته است؛ فلذا از این باب معترض ثالث محسوب می شود و به دلیل عدم دخالت در تنظیم قرارنامه داوری و عدم حضور وی در جلسات دادرسی، مفاد رأی به حقوق وی خلل وارد نموده است. — ۷۰
۱۳. خواهان معترض ثالث مدعی شده دادنامه معترض عنه باعث ورود خلل به حقوق وی و ورود خسارت به مال او شده است؛ لذا دادگاه تجدیدنظر با پذیرش لایحه اعتراضیه، ضمن نقض دادنامه معترض عنه، پرونده را برای ادامه رسیدگی، به دادگاه نخستین اعاده نمود. — ۷۷
۱۴. تجدیدنظرخواننده دخالتی در تعیین داور و شرط داوری نداشته و دادگاه بدوی با نقض رأی داوری صادره و اجرائیه و ورود اعتراض ثالث حکم بر الغای رأی داوری معترض عنه صادر و اعلام نموده که این رأی مورد تأیید مرجع تجدیدنظر واقع شده است. — ۸۰
۱۵. قرار مشمول امر مختوم نیست، لیکن دعوی با خواسته اعتراض ثالث به عملیات اجرایی به نحو صحیح اقامه نشده است و دادگاه با رد لایحه اعتراضیه و با استناد به قسمت اول از ماده ۲۵۳ آ.د.م و ماده ۲ آن ضمن اصلاح دادنامه معترض عنه، قرار عدم استماع دعوی مطروحه را صادر نمود. — ۸۳
۱۶. معترض ثالث مالک منافع سه پنجم مغازه بوده که اساساً موضوع حکم واقع نشده است؛ فلذا مفاد دادنامه خللی به حقوق وی وارد نکرده تا از آن باب به عنوان معترض ثالث به آن اعتراض نماید. — ۸۸
۱۷. به دلیل عدم علاقه مالکیت مورث معترض ثالث، چه قبل از تنظیم بیع شرط و چه بعد از آن، خللی به حقوق خواهان وارد نشده تا با تمسک به آن، مبادرت به طرح دعوی اعتراض ثالث نماید؛ از این رو دادگاه خواسته خواهان را قابل اجابت ندانست. — ۹۰
۱۸. دعوی اعتراض ثالث صرفاً باید به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی معترض عنه اقامه شود و شخص دیگری نمی تواند تحت هر عنوانی اعم از وارد ثالث یا جلب ثالث یا تحت عنوان خواننده، به دادرسی فراخوانده یا وارد شود. — ۹۲
۱۹. خواهان دعوی اعتراض ثالث اداره ثبت شرکتها را که جزء خوانندگان دعوی اصلی

- ده، طرف دعوای قرار نداده، بنابراین دعوا به کیفیت مطروحه قابلیت پذیرش را ندارد. ۹۸.
۲. دعوای اصلی توسط بازرس تعاونی اقامه شده که مشارالیه چنین اختیاری نداشته است و لحاظ اقامه دعوا از ناحیه بازرس و اصدار رأی برخلاف حقوق مکتسبه اعضا، دادگاه دعوای مترضان ثالث را قابل پذیرش دانسته است. ۱۰۰.
۲. الف - در دعوای اعتراض ثالث نسبت به تاریخ توقف و ورشکستگی، معترض ثالث باید عوای خود را به طرفیت طرفین دعوای اصلی طرح نماید و اقامه دعوای مزبور به طرفیت ابره کل ورشکستگی فاقد وجاهت قانونی است. ب - اشخاص ثالث صرفاً ظرف مدت یک ماه تاریخ اعلام حکم ورشکستگی حق اعتراض به رأی صادره را دارند. ۱۰۴.
۳. در صورتی که در دعوای مطالبه مهریه، ملکی در راستای اجرای قرار تأمین خواسته توقیف گردد که دیگری مدعی مالکیت آن است، از آنجایی که مالک در اصل موضوع دادرسی رأی خود مستقلاً حقی قائل نیست، طرح دعوای ورود ثالث از جانب وی صحیح نیست و باید عوای اعتراض ثالث به عملیات اجرایی مطرح گردد. ۱۰۷.
۲۲. منظور قانونگذار از سند رسمی در دعوای اعتراض ثالث اجرایی موضوع ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی سند انتقال نسبت به مال توقیف شده است؛ بنابراین سند وکالت یا تفویض وکالت در این مورد پذیرفته نیست، زیرا وکالت انتقال محسوب نمی‌شود. ۱۰۹.
۲۴. در صورتی که متوفی جزو طرفین دعوا باشد، اعتراض ثالث اجرایی طرح شده توسط وراث متوفی، به این دلیل که جانشین متوفی هستند، مسموع نیست. ۱۱۱.
۲۵. دستور تخلیه اماکن استیجاری موضوع قانون روابط موجر و مستأجر رأی محسوب نمی‌شود، بنابراین امکان اقامه اعتراض ثالث نسبت به آنها وجود ندارد. ۱۱۲.
۲۶. محاکم عمومی حقوقی برای رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته صادره توسط بازرس، صالح به رسیدگی هستند. ۱۱۵.
۲۷. وکالت‌نامه رسمی دال بر انجام عمل معین (تفویض پلاک) دلیل بر انتقال مالکیت به وکیل نیست و نمی‌تواند در دعوای اعتراض ثالث اجرایی برای رفع توقیف از مال توقیف شده مورد استناد قرار گیرد. ۱۱۹.
۲۸. دعوای اعتراض ثالث زمانی قابل طرح است که اصولاً دعوای اصلی طرح شده و دادخواست ماهیتی تقدیم شده باشد، بنابراین اعتراض ثالث نسبت به قرار تأمین خواسته امکان‌پذیر نیست و تا زمانی که متعاقب صدور و اجرای این قرار دادخواست ماهیتی تقدیم نشده باشد، اعتراض ثالث قابل رسیدگی نیست. ۱۲۲.
۲۹. به دلیل مقید نبودن اعتراض ثالث به مهلت در دعوای اعتراض به تاریخ حجر متوفی، اطلاع موثر معترضان ثالث از حکم حجر مانع از اعتراض ثالث آنها به قائم مقامی از موثر نیست. ۱۲۴.



استشارات دادگاهان دادگاه

۳۰. پرداخت ودیعه مسکن زوجین با چک از حساب پدر زوج دلالت بر پرداخت از سوی وی دارد و اعتراض ثالث توسط پدر زوج مبنی بر رفع توقیف از آن، قابل پذیرش است. ۱۳۳
۳۱. اعتراض ثالث در خصوص تعیین تاریخ شروع حجر قابلیت استماع و پذیرش را دارد و لازم نیست اعتراض به حکم حجر صادره باشد تا در قالب اعتراض ثالث پذیرفته شود. ۱۳۵
۳۲. در قانون آیین دادرسی مدنی برای دعوی اعتراض ثالث موعودی در نظر گرفته نشده، لیکن قانون حاکم بر ورشکستگی تاجر قانون تجارت است و قانون عام مؤخر (قانون آیین دادرسی مدنی) قانون خاص سابق (قانون تجارت) را تخصیص نمی‌دهد. بنابراین مهلت اعتراض نسبت به حکم ورشکستگی طبق قانون تجارت، برای اشخاص ثالث ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر آگهی در جهت اعلان حکم ورشکستگی است. ۱۳۸
۳۳. در دعوی اعتراض ثالث، معترض ثالث نمی‌تواند دعوی دیگری ضمن اعتراض طرح نماید و طرح دعوی جدید در دعوی اعتراض ثالث در هیچ‌یک از مراحل رسیدگی پذیرفته نیست. ۱۴۰
۳۴. در دعوی اعتراض ثالث به توقیف خودرو به استناد سند عادی چنانچه معترض ثالث نتواند پرداخت ثمن را ثابت کند و میابه‌نامه مستند دعوا فاقد کد رهگیری باشد، حکم به رد دعوی صادر خواهد شد. ۱۴۲
۳۵. اعتراض ثالث به حکم ورشکستگی دارای مهلت یک‌ماهه از تاریخ اعلان صدور حکم ورشکستگی است و با اعتراض ثالث قانون آیین دادرسی مدنی که فاقد مهلت است، تفاوت دارد. ۱۴۴
۳۶. در دعوی اعتراض ثالث اجرایی باید طرفین پرونده اجرایی - یعنی محکوم‌له و محکوم‌علیه - طرف دعوا قرار گیرند. ۱۴۶
۳۷. اعتراض ثالث اجرایی به استناد قراردادهای عادی دارای کد رهگیری مقدم بر توقیف ملک قابل پذیرش است و حکم به رفع توقیف صادر می‌شود. ۱۵۱
۳۸. دعوی اعتراض ثالث اجرایی حتی در صورت عدم امکان اعاده مال توقیف شده به دلیل عدم بقا، قابل رسیدگی است. ۱۵۳
۳۹. ثبت معامله در سیستم اطلاعات مدیریت معاملات املاک و مستغلات کشور حکایت از وجود معامله دارد؛ بنابراین انتقال‌گیرنده چنین معاملاتی، در دعوی اعتراض ثالث اجرایی ذی‌نفع محسوب می‌شود. ۱۵۵
۴۰. اعتراض ثالث اجرایی اگر منطبق بر ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی باشد، قابل تجدیدنظرخواهی نیست، لیکن اگر اعتراض مذکور مطابق ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی به عمل آمده باشد، قابل تجدیدنظرخواهی است. ۱۵۷
۴۱. اعتراض ثالث اجرایی اگر منطبق بر ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی باشد، قابل

استثنائات دادگاهان دادگاه

- جدیدنظرخواهی نیست، لیکن اگر اعتراض مذکور مطابق ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام دینی به عمل آمده باشد، قابل تجدیدنظرخواهی است. ۱۶۰
۴۱. در صورت پذیرش دعوی اعتراض ثالث، حکم موضوع اعتراض ثالث صرفاً اثناء می‌گردد و لرح دعوی جدید با خواسته جدید به موجب دادخواست اعتراض ثالث فاقد وجهت قانونی است. ۱۶۳
۴۱. الف - طرح دعوی مستقل علاوه بر موضوع اصلی در دعوی اعتراض ثالث قابل استماع است، زیرا همان‌طور که از وجه تسمیه اعتراض ثالث پیداست، این دعوا صرفاً محدود به قض یا تأیید رأی است که ثالث در آن دعوا حضور نداشته و به آن معترض است. ب - چنانچه در وکالت‌نامه مراجعه به دادرها و مجتمع‌های قضایی و حق توکیل به غیر قید شده باشد، لفظ غیر مطلق است و شامل وکیل دادگستری نیز می‌شود و نیازی به تصریح وکیل دادگستری در وکالت‌نامه نیست. ۱۶۸
۴۲. شخص ثالث در صورتی می‌تواند نسبت به حکمی دعوی اعتراض ثالث اقامه نماید که علاوه بر متضرر شدن از حکم مورد نظر، امکان اقامه دعوی مستقل به منظور احقاق حق برای وی فراهم نباشد. ۱۷۰
۴۵. در دعوی اعتراض ثالث، علاوه بر متضرر بودن ثالث از رأی اصلی، نفع ثالث نیز باید احراز شود. ۱۷۱
۴۶. چنانچه نسبت به دادنامه‌ای که پیشتر در دیوان عالی کشور ابرام شده است اعتراض ثالث شود، در هر صورت دادخواست باید به دادگاه صادرکننده رأی قطعی داده شود و نیازی به تجویز رسیدگی در دیوان عالی کشور ندارد. ۱۷۳
۴۷. در دعوی اعتراض شخص ثالث امکان رسیدگی به خواسته دیگری جز القای رأی صادره یا ابقای آن وجود ندارد. ۱۷۴
۴۸. با توجه به اینکه رسیدگی و اظهار نظر در خصوص دعوی ابطال رأی کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، تنها به طرفیت مرجع صادرکننده رأی مذکور مستقر در اداره منابع طبیعی صورت می‌پذیرد، شخصی که زمین مورد اختلاف متعاقب ملی اعلام شدن به وی منتقل شده است، نمی‌تواند پس از صدور حکم مبنی بر نقض رأی کمیسیون یاد شده، دعوی اعتراض ثالث اقامه نماید. ۱۸۰
۴۹. اعتراض شخص ثالث صرفاً ناظر به احکام قطعی است و در خصوص احکام غیرقطعی، شخص ثالث صرفاً در صورت تجدیدنظرخواهی یکی از طرفین دعوی نخستین می‌تواند به‌عنوان وارد ثالث، طرح دعوا کند. ۱۸۵
۵۰. اعتراض ثالث به دادنامه غیابی پیش از قطعیت آن، مسموع نیست. ۱۸۶

- ۵۱ دادگاه در پی اعتراض ثالث اجرایی، تنها می‌تواند نسبت به رفع اثر از مراتب توقیف مال (منقول یا غیرمنقول) یا وجه نقد رأی صادر نماید؛ بنابراین رسیدگی و صدور حکم درخصوص دعوی ابطال سند مالکیت رسمی در ضمن رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث اجرایی فاقد موقعیت قانونی است. ۱۸۸
- ۵۲ خواهان دعوی اعتراض ثالث زمانی ثالث تلقی می‌شود که آن شخص یا نماینده او در دعوی که منتهی به رأی شده است، به‌عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد؛ بنابراین مداخله عضو شرکت در مقام اعتراض به تصمیم شرکت در محاکم دادگستری مسموع است، لکن مداخله عضو شرکت در مقام اعتراض به رأی محاکم به‌عنوان شخص ثالث مردود است مگر اینکه سبب مداخله او به دلیل دیگری نیز باشد. ۱۹۵
- ۵۳ تصمیم دادگاه در پی اعتراض ثالث اجرایی جنبه اداری صرف دارد نه قضایی، بنابراین نیازی به صدور رأی نیست و تصمیم دادگاه قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد. ۲۰۴
- ۵۴ رسیدگی به اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی رد مال مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است. ۲۰۷
- ۵۵ عمل قضایی دادگاه در پی طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی حکم است نه دستور؛ در نتیجه برابر عمومات قابل تجدیدنظر خواهد بود. ۲۱۵
- ۵۶ عمل قضایی دادگاه در پی طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی حکم است نه دستور؛ در نتیجه برابر عمومات قابل تجدیدنظر خواهد بود. ۲۱۸
- ۵۷ قبول و اخواهی نسبت به حکم غیابی قطعیت یافته مانع ادامه رسیدگی به اعتراض ثالث مطروحه به حکم مذکور خواهد بود، زیرا اعتراض ثالث فقط نسبت به احکام قطعی قابل طرح است، در حالی که با قبول و اخواهی، رأی از قطعیت خارج می‌گردد. ۲۲۱
- ۵۸ دعوی اعتراض ثالث نسبت به امر کیفری قابلیت استماع ندارد. ۲۲۴
- ۵۹ گزارش اصلاحی رأی نیست و ثالث نمی‌تواند نسبت به آن اعتراض شخص ثالث مطرح کند و باید دعوی ابطال آن را اقامه نماید. ۲۲۷
- ۶۰ قرار رد درخواست اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری از سوی شعبه تشخیص متضمن حکم مؤثر در حق ثالث نیست، لذا طرح دادخواست اعتراض ثالث نسبت به قرار صادره سالبه به انتفاء موضوع است. ۲۲۹
- ۶۱ در دعوی اعتراض ثالث، معترض ثالث تنها می‌تواند نقض رأیی که حقوق وی را تضییع کرده خواستار شود و طرح دعوی دیگر در مرحله اعتراض ثالث موجه نیست. ۲۳۰
- ۶۲ رأی دادگاه عمومی کیفری در موردی که به حقوق شخص ثالث لطمه‌ای وارد کند (مانند محکومیت کیفری انتقال مال غیر) قابل اعتراض توسط شخص ثالث است. ۲۳۳
- ۶۳ الف - اشخاصی که طرح شکایت به جارتیبت، آنجا در میزان عدالت اداری به دلیل

غیردولتی بودن امکان‌پذیر نیست، می‌توانند به‌عنوان معترض ثالث اقامه دعوی اعتراض ثالث نمایند. ب - اعتراض ثالث نسبت به دادنامه‌های متعدد ضمن یک دادخواست، قابل استماع نمی‌باشد..... ۲۴۳

۶۴ چون تصرف به‌عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، اصولاً اموالی (خودرو) که در تصرف غیر محکوم‌علیه است متعلق به متصرف است و نمی‌توان توقیف کرد. بنابراین در فرض توقیف چنین مالی، متصرف به‌عنوان معترض ثالث اجرایی حق اعتراض دارد..... ۲۴۵

۶۵ رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث به عملیات اجرایی مستلزم تقدیم دادخواست است، زیرا اعتراض مزبور وصف ترقعی دارد و تقدیم دادخواست جزء مقدمات دادرسی و دفاع می‌باشد نه تشریفات آن..... ۲۴۷

۶۶ در صورتی که نام خواننده از پیوسته‌های دادخواست اعتراض ثالث (از جمله دادنامه معترض‌عنه) قابل تعیین باشد ولی خواهان نام خواننده را در دادخواست به اشتباه درج کند، این اشتباه را باید حمل بر سهو قلم نمود که از موجبات عدم استماع دعوی اعتراض ثالث نیست..... ۲۴۹

۶۷ چنانچه دادنامه‌ای که مورد اعتراض ثالث واقع شده است غیرقابل تجدیدنظر و قطعی باشد، دادنامه صادره در مقام اعتراض ثالث نیز به تبع آن قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است..... ۲۵۱

۶۸ دعوی اعتراض ثالث باید به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه رای مورد اعتراض طرح شود، در غیر این صورت قابل استماع نخواهد بود..... ۲۵۳

۶۹ مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی نسبت به تأمین خواسته کیفری دادگاه بدوی است که دادسرای صادرکننده قرار در معیت آن قرار دارد..... ۲۵۴

۷۰ اعتراض ثالث اجرایی فردی که ملک محکوم‌علیه را به موجب سند عادی خریده قابل پذیرش است، چراکه به مجرد انعقاد بیع، مشتری مالک می‌گردد و توقیف آن از ناحیه خواهان اصلی دعوا در تعارض با حقوق مالکانه وی قرار دارد..... ۲۵۶

۷۱ اعتراض ثالث اجرایی فردی که ملک محکوم‌علیه را به موجب سند عادی خریده قابل پذیرش است، چراکه به مجرد انعقاد بیع، مشتری مالک می‌گردد و توقیف آن از ناحیه خواهان اصلی دعوا در تعارض با حقوق مالکانه وی قرار دارد..... ۲۵۸

۷۲ اگر از رای مورد اعتراض ثالث اصلی هیچ‌گونه ضرری متوجه معترض ثالث نشود، دعوی معترض ثالث محکوم به بطلان است..... ۲۶۱

۷۳ دستور فروش موضوع قانون آفراز و فروش املاک مشاع نه حکم است و نه قرار، بلکه آن‌گونه که از نلمش پیداست، یک دستور اداری است؛ بنابراین اعتراض ثالث نسبت به آن قابل پذیرش نیست..... ۲۶۲

۷۴. تصمیم دادگاه عمومی حقوقی پیرامون دستور رفع توقیف که متعاقب اعتراض ثالث اجرایی صادر شده است، صرفاً جنبه اداری دارد و فاقد جنبه قضایی است؛ بنابراین قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد. ۲۶۴
۷۵. آرای صادره در خصوص اعتراض ثالث اجرایی قابل تجدیدنظرخواهی هستند. ۲۷۲
۷۶. در صورتی که معترض ثالث سابقاً در دادرسی به عنوان وارد ثالث دخالت داشته و دعوی ورود ثالث وی با قرار عدم استماع دعوا روبه‌رو شده باشد، جزو اصحاب دعوا محسوب می‌شود و دعوی اعتراض ثالث وی رد می‌گردد. ۲۷۵
۷۷. به این دلیل که تاریخ سند عادی در مقابل شخص ثالث اعتبار ندارد، اعتراض ثالث اجرایی بر اساس اسناد عادی قابل پذیرش نیست. ۲۷۷
۷۸. اعتراض ثالث نسبت به حکم دادگاه در صورتی ممکن است که محکوم‌به عین معین و مورد ادعای شخص ثالث باشد، اما اگر شخص ثالث صرفاً نسبت به مال توقیف شده در مرحله اجرای یک حکم با محکوم‌به کلی اعتراض داشته باشد، باید به صورت اعتراض ثالث اجرایی مشمول ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی اقدام کند. ۲۷۹
۷۹. اعتراض ثالث نسبت به حکم دادگاه در صورتی ممکن است که محکوم‌به عین معین و مورد ادعای شخص ثالث باشد، اما اگر شخص ثالث صرفاً نسبت به مال توقیف شده در مرحله اجرای یک حکم با محکوم‌به کلی اعتراض داشته باشد، باید به صورت اعتراض ثالث اجرایی مشمول ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی اقدام کند. ۲۸۲
- ۸۰ الف - مقررات راجع به دستور فروش ملک مشاع ناظر به مالکیت مشاعی به نحو رسمی است و موارد مالکیت به موجب اسناد عادی را در بر نمی‌گیرد. ب - اعتراض ثالث نسبت به آرا امکان‌پذیر است و دستور فروش رأی نیست، بنابراین قابل اعتراض از سوی شخص ثالث نیست. ۲۸۶
۸۱. مواعد اعتراض به حکم ورشکستگی در قانون تجارت بر مواعد اعتراض به مطلق آرا در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تفوق دارد؛ بنابراین مهلت اعتراض به حکم ورشکستگی برای اشخاص مقیم ایران یک ماه است. ۲۸۷
۸۲. در صورت پذیرش دعوی اعتراض ثالث، فقط حکم اصلی الغا می‌گردد و دادگاه نمی‌تواند به خواسته جدید رسیدگی کند و اتشای رأی نماید. ۲۹۵
۸۳. تاریخ سند عادی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست، بنابراین اعتراض ثالث اجرایی که به استناد تقدم سند عادی بیع بین معترض ثالث و مالک نسبت به تاریخ توقیف ملک طرح شده محکوم به رد است. ۲۹۷
۸۴. در صورتی که خواهان دعوی اعتراض ثالث قبلاً دعوی ورود ثالث را در خصوص رأی مورد اعتراض مطرح کرده باشد و متعاقباً آن را استرداد نماید، چون امکان حضور با اراده در قالب

- ۳۰۰ استرداد دعوا ساقط شده، عنوان ثالث بر وی صدق نمی‌کند.
۸۵. در صورتی که توقیف مالی در راستای قرار تأمین خواسته توسط شورای حل اختلاف انجام شده باشد، رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی در صلاحیت این مرجع است. ۳۰۲
۸۶. اعتراض ثالث فقط نسبت به رأی امکان‌پذیر است و چون دستور فروش مال مشاع رأی تلقی نمی‌شود، اعتراض ثالث نسبت به دستور فروش مال مشاع قابل استماع نیست. ۳۰۷
۸۷. در مرحله اعتراض ثالث صرفاً حکم قطعی مورد اعتراض موضوع دادرسی است و معترض ثالث در این مرحله، اجازه اقامه دعوی جدید را ندارد. ۳۰۸
۸۸. گزارش اصلاحی از مصادیق آرای مرجع قضایی است و آثار و نتایج قانونی مترتب بر رأی دادگاه، از جمله مختومه شدن دعوا و خروج پرونده از آمار و تعیین تکلیف دعوی اقامه شده را در بر دارد و فرض ورود ضرر به شخص ثالث در پرتو توافق دو طرف دعوی اصلی و گزارش اصلاحی حاکم بر آنها محتمل است؛ بنابراین شخص ثالث متضرر از مفاد گزارش اصلاحی می‌تواند نسبت به آن دعوی اعتراض ثالث اقامه نماید. ۳۱۳
۸۹. اجرای حکم با دادگاه صادرکننده است، بنابراین اعطای نیابت جهت توقیف مال، موجب ایجاد صلاحیت رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی برای دادگاه مجری نیابت نمی‌شود. ۳۱۵
۹۰. چون دستور فروش مال مشاع از موارد قابل تجدیدنظرخواهی محسوب نمی‌شود، تصمیم دادگاه بدوی در خصوص اعتراض ثالث نسبت به دستور فروش مال مشاع نیز قابل تجدیدنظرخواهی نیست. ۳۱۶
۹۱. در صورت توقیف عین مال به استناد قرار تأمین خواسته، دعوی اعتراض ثالث اجرایی قابل طرح نیست، زیرا اعتراض ثالث اجرایی متعاقب عملیات اجرایی احکام قطعی صورت می‌گیرد. ۳۱۸
۹۲. طرح دعوی جلب ثالث همزمان با دعوی اعتراض ثالث صحیح نیست و قابل استماع نمی‌باشد. ۳۲۱
۹۳. اگر در راستای قرار تأمین خواسته مالی توقیف گردد، رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی نسبت به توقیف مال در صلاحیت دادگاه معطی نیابت است نه مجری نیابت. ۳۲۶
۹۴. رأی مورد اعتراض شخص ثالث باید قطعی شده باشد، در غیر این صورت اعتراض شخص ثالث قابل استماع نیست. ۳۲۷
۹۵. احکام صادره از سوی محاکم عمومی حقوقی در خصوص تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث از آرای صادره از شوراها حل اختلاف قطعی است و رسیدگی به آنها در دادگاه تجدیدنظر موقعیت قانونی ندارد. ۳۲۹
۹۶. نتیجه رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث صرفاً لغا یا تأیید دادنامه موضوع اعتراض است و دادگاه حکم جدیدی صادر نمی‌نماید؛ بنابراین خروج شواهدی جدید در دعوی اعتراضی

استثنائات دادگاهان دادگاه

- ثالث صحیح نیست و دادگاه تکلیفی به رسیدگی به آنها ندارد. ۲۳۱.....
۹۷. ارائه گواهی اعتراض ثالث طاری نسبت به دادنامه ابطال قولنامه مستند شکایت انتقال مال غیر، مستوجب قرار اناطه در امور کیفری است. ۲۳۴.....
۹۸. در صورتی خریدار می‌تواند نسبت به توقیف ملک توسط اجرای احکام دادگاه اعتراض کند که ببع ملک مقدم بر توقیف باشد. ۲۳۷.....
۹۹. اعتراض ثالث باید تا قبل از اجرای حکم معترض‌عنه صورت پذیرد. ۲۳۹.....
۱۰۰. اگر اعتراض ثالث اجرایی مستند به حکم قطعی دادگاه یا سند رسمی نباشد، مستزم رسیدگی قضایی و صدور حکم است. ۲۴۰.....
۱۰۱. اگر اعتراض ثالث اجرایی مستند به حکم قطعی دادگاه یا سند رسمی نباشد، مستزم رسیدگی قضایی و صدور حکم است. ۲۴۲.....
۱۰۲. دعوای ابطال میبایه‌نامه‌ای که با احراز صحت آن حکم بر الزام به تنظیم سند رسمی بر اساس آن صادر شده است قابل استماع نیست، بلکه دعوا باید به صورت اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی موصوف طرح شود. ۲۴۳.....
۱۰۳. دادگاه در دعوای اعتراض ثالث باید به دعوای معترض ثالث نسبت به رأی مورد اعتراض رسیدگی کند و رسیدگی به دعوای طاری از جمله دعوای جلب ثالث، توأم با اعتراض ثالث امکان‌پذیر نیست. ۲۴۶.....
۱۰۴. دعوای اعتراض ثالث باید هم به طرفیت محکوم‌له و هم به طرفیت محکوم علیه اقامه شود و اگر تنها یکی از آنها طرف دعوا قرار گیرند، قرار رد شکایت صادر می‌شود. ۲۵۰.....
۱۰۵. در صورتی که اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی مستند به سند رسمی یا حکم قطعی نباشد، دادگاه باید نسبت به اعتراض شخص ثالث رسیدگی ماهوی کند و اگر مستند به سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه باشد، باید مطابق سند رسمی و حکم دادگاه مذکور، بدون نیاز به رسیدگی ماهوی، عمل نماید. ۲۵۱.....
۱۰۶. دادستان عمومی طرف دعوای ورشکستگی است و لذا دعوای ثالث که در مقام اعتراض به رأی بدوی دابر بر ورشکستگی طرح شده باید به طرفیت تاجر ورشکسته (خواهان دعوای بدوی) و دادستان طرح شود و چنانچه در این دعوا دادستان طرف دعوا قرار نگرفته باشد، محکوم به رد است. ۲۵۴.....
۱۰۷. در صورتی که خواهان دعوای اعتراض ثالث محکوم‌علیه و محکوم‌له را توأمان طرف دعوا قرار ندهد، دعوای وی قابلیت استماع نخواهد داشت. ۲۵۹.....
۱۰۸. مهلت شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز ظرف یک هفته از تاریخ وقوع مزایده است و اعتراض ثالث پس از این مهلت محکوم به رد است. ۲۶۰.....

۱۰۹. رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث اجرایی در صلاحیت دادگاه اجراکننده نیابت قضایی است نه دادگاه معطی نیابت، زیرا اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن اجرا می‌شود؛ لذا در موردی که محکوم‌له مالی که در حوزه قضایی دیگر است به‌عنوان مال محکوم‌علیه به دادگاه صادرکننده رأی معرفی شود و دادگاه فوق برای توقیف مال به منظور اجرا به دادگاه مربوط نیابت قضایی دهد، اعتراض ثالث مبنی بر آنکه مال معرفی شده متعلق به اوست نه محکوم‌علیه، باید در دادگاه محل نیابت رسیدگی شود. ۳۶۲.....

۱۱۰. ورود دادگاه رسیدگی‌کننده به اعتراض شخص ثالث، اعم از بدوی یا تجدیدنظر، به صلاحیت محلی دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض شخص ثالث به لحاظ مختومه بودن موضوع موقعیت قانونی ندارد و موردی برای اظهار نظر و تصمیم در مورد صلاحیت محلی دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر رسیدگی‌کننده به اعتراض ثالث وجود ندارد. ۳۶۴.....

۱۱۱. طبق قانون تجارت، اشخاص مقیم ایران می‌توانند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار رأی ورشکستگی، اعتراض خود را اعلام کنند و قاعده مذکور قاعده خاص نسبت به حکم عام آیین دادرسی مدنی درباره اعتراض ثالث است و کماکان مراعی است. ۳۷۰.....

۱۱۲. رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث به عملیات اجرایی دادگاه در صلاحیت دادگاه صادرکننده و اجراکننده است نه دادگاهی که برای اجرا به او نیابت داده شده است. ۳۷۲.....

۱۱۳. اعتراض ثالث در صورتی قابل پذیرش است که بر اثر صدور رأی به نفع شاکی، به حقوق شخص ثالث خللی وارد شود؛ لذا در صورت رد شکایت شاکی، اعتراض ثالث وارد نیست. ۳۷۴.....

۱۱۴. در قوانین و مقررات آیین دادرسی در دیوان عدالت اداری و کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، اعتراض ثالث به آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ پیش‌بینی نشده؛ لذا محکوم به رد است. ۳۷۵.....

۱۱۵. اعتراض شخص ثالث موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مستلزم تقدیم دادخواست به طرفیت طرف‌های اجرائیه است و بدون تقدیم دادخواست قابل رسیدگی نیست. ۳۷۶.....

۱۱۶. پس از اجرای حکم، دعوی اعتراض ثالث قابلیت استماع ندارد. ۳۷۸.....

۱۱۷. رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث اجرایی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی، به معنای رعایت نکردن اصول دادرسی از قبیل ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی به طرف دعوا و تشکیل جلسه رسیدگی نیست. ۳۸۱.....

۱۱۸. اعتراض ثالث در صورتی قابل پذیرش است که بر اثر صدور رأی به نفع شاکر، به حقوق

- شخص ثالث خللی وارد شود و در صورت رد شکایت شاکی، اعتراض ثالث وارد نیست... ۲۸۳
۱۱۹. اعتراض ثالث صرفاً نسبت به آرای محاکم قضایی مصداق دارد و نسبت به رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری فاقد موقعیت قانونی است... ۲۸۴
۱۲۰. اعتراض ثالث نسبت به رأی اجرا شده قابلیت رسیدگی ندارد. نظر به عدم پیش‌بینی اعتراض ثالث در قانون دیوان مصوب ۱۳۶۰ و عطف به‌ماسبق نشدن قانون دیوان مصوب ۱۳۸۵، اعتراض ثالث تنها نسبت به آرای صادره در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۵ دیوان امکان‌پذیر است... ۲۸۵
۱۲۱. ورود سازمان دولتی به‌عنوان معترض ثالث در دعوای شخص خصوصی علیه شهرداری قابل استماع است... ۲۸۶
۱۲۲. موضوع دستور موقت از مصادیق اعتراض ثالث نیست... ۲۸۷
۱۲۳. چنانچه حکم به نفع مرجعی صادره شود و اموال به نام این مرجع ثبت شود، نسبت به دعوایی که به طریق مالک قبلی طرح شده و رأی صادر شده است، این مرجع حق اعتراض ثالث دارد و ثالث محسوب می‌شود و قائم‌مقام مالک سابق تلقی نمی‌گردد... ۲۸۸
۱۲۴. در دعوای اعتراض ثالث آنچه باید موضوع خواسته باشد فقط اعتراض به دادنامه مربوطه است و ذکر خواسته دیگر فاقد وجاهت قانونی است و قابل استماع نیست... ۲۹۰
۱۲۵. در صورتی که ملکی که دعوای الزام به تنظیم سند رسمی آن طرح شده است، به موجب تصمیم دادگاه در بازداشت باشد، رفع بازداشت از ملک مزبور باید به‌وسیله اعتراض ثالث به عمل آید و خواسته رفع بازداشت از ملک قابل اجابت نیست... ۲۹۴
۱۲۶. معترض ثالث نمی‌تواند ضمن اعتراض به رأی قطعی، دعوای جدید اقامه کند؛ بنابراین در صورت طرح دعوای جدید ضمن اعتراض ثالث، قرار رد دعوا صادر خواهد شد... ۲۹۶
۱۲۷. دستور فروش مال مشاع رأی تلقی می‌شود؛ بنابراین حسب ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، اعتراض ثالث به آن امکان دارد... ۴۰۳
۱۲۸. ملاک تجدیدنظرخواهی از دعوای اعتراض ثالث میزان تقویم دعوای اصلی خواهد بود و چنانچه دعوای اصلی به لحاظ تقویم در زمان طرح قابل تجدیدنظر نباشد، دعوای اعتراض ثالث نیز قابل تجدیدنظر نخواهد بود... ۴۰۵
۱۲۹. ادعای معترض ثالث به استناد سند عادی به عملیات اجرایی در خصوص توقیف ملکی که به نفع دیگری یا تکیه بر سند رسمی مالکیت توقیف شده، مردود است... ۴۰۷
۱۳۰. دعوای ورود ثالث حسب مدلول ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مربوط به دعوای اصلی است. با توجه به اینکه دعوای اعتراض ثالث دعوای اصلی تلقی نمی‌گردد، دعوای ورود ثالث در دعوای اعتراض ثالث قابل استماع نیست... ۴۰۹
۱۳۱. دادگاه در مقام رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث، مکلف است، ابتدا، دعوای اعتراض ثالث را

- ۴۱۲..... یا ابقا نماید و حق اصلاح آن را ندارد.....
۱۳۲. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر قرار رد دعوی تجدیدنظرخواهی را صادر نماید، رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث در صلاحیت دادگاه بدوی است نه تجدیدنظر..... ۴۱۶
۱۳۳. با عنایت به اینکه دادنامه بدوی شعبه اول دادگاه عمومی تهران در همان مرحله بدوی قطعیت حاصل کرده، مرجع صالح رسیدگی به اعتراض‌های ثالث مطروحه شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تهران می‌باشد..... ۴۱۷
۱۳۴. از ارکان دعوی اعتراض ثالث این است که به حقوق ثالث خللی وارد آید. چنانچه دادخواست خواهان دعوی اصلی رد شده باشد، این رأی نمی‌تواند موجب خللی به حقوق ثالث باشد و لذا اعتراض ثالث مبتنی بر آن مردود است..... ۴۱۹
۱۳۵. اعتراض ثالث اجرایی مستند به ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مستلزم صدور حکم نیست، بلکه تصمیم دادگاه به صورت دستور خواهد بود..... ۴۲۰
۱۳۶. اعتراض شخص ثالث اجرایی نسبت به توقیف مال بر اساس مبیعه‌نامه عادی با توجه به مواد ۲۲، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت محکوم به بطلان است..... ۴۲۵
۱۳۷. اگر دستور توقیف و سپس مزایده ملکی به میزان محکوم‌به صادر گردد و سپس در مقام تحویل به برنده مزایده میزان بیشتری از ملک موصوف تحویل گردد، مصداق اعتراض ثالث اجرایی نیست و به این عنوان قابلیت استناد دارد، چراکه توقیف و مزایده به درستی صورت گرفته، لیکن خواهان می‌تواند دعوی خلع ید یا رفع تصرف اقامه کند..... ۴۲۷
۱۳۸. در اعتراض شخص ثالث، حق ثالث باید قبل از صدور رأی معترض‌عنه ایجاد شده باشد و فردی که پس از صدور رأی، محکوم‌به موضوع رأی دادگاه به وی منتقل می‌شود، قائم‌مقام یکی از اصحاب دعوا است و ثالث تلقی نمی‌شود..... ۴۲۲
۱۳۹. اگر ثالث به واسطه مبیعه‌نامه به تاریخ مقدم بر تاریخ توقیف نسبت به توقیف مالی اعتراض داشته باشد، حکم به رفع توقیف صادر می‌گردد..... ۴۲۶